

بحران فقر آب در خاور میانه و شمال آفریقا

دیپلماسی آب را جدی بگیریم



حمید بهلولی

آب همیشه منشأ چالش‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با داشتن مشخصاتی مانند رشد سریع جمعیت، بی‌ثباتی منطقه‌ای و تغییرات اقلیمی چشمگیر بوده است و این چالش درحال‌حاضر از همیشه بزرگ‌تر و ویرانگرتر است.

خاورمیانه و شمال آفریقا نقاط پررنگ در نقشه زمین در استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی هستند و در بعضی از آنها این مصرف از نصف ذخایر زیرزمینی آب فراتر رفته است.

دیگر شرایط این دو منطقه در موضوع فقر آب را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

- بهره‌وری آب حدود تنها ۵۰ درصد میانگین جهانی است
- بیشترین میزان تلف‌شدگی از جی‌دی‌پی حدود شش درصد تا ۱۴ درصد به خاطر کمبود آب و در ارتباط با تغییرات اقلیمی است.
- ۸۲ درصد از فاضلاب شهری و پساب‌های منطقه بازیافت نمی‌شود که در صورت بازیافت می‌توانست میزان زیادی از نیاز را پاسخ بگوید و بحران آب را کم کند.
- خطر قحطی و نایابی غذایی در حال افزایش است.
- قیمت آب در این مناطق پایین است و میزان زبادی از جی‌دی‌پی به مصرف سوپسید آب می‌رسد.
- نوع صنایع و کشاورزی موجود در این مناطق مربوط به موج دوم و سوم صنعتی بوده و بسیار آب‌بر و انرژی‌بر و خود آلوده‌کننده محیط زیست و آب هستند.

- ۶۰ درصد آب در این مناطق بین مرزی بوده و در خاک بیش از یک کشور جریان دارد
- هر کشور حداقل یک سفره آبخیزی مشترک با کشورهای همسایه دارد (این دو موضوع آخر نقش ایجاد تعاملات سازنده و همکاری در مدیریت و دیپلماسی خارجی در موضوع آب را نشان می‌دهد).

کشورهای پیش‌رو در مدیریت آب در منطقه

در این منطقه کشورهای زیر زودتر از بقیه اقدامات مدیریت آب را شروع کرده‌اند و این در حالی است که بعضی از کشورهای این منطقه منتظر واقعه نشسته‌اند.

موراکو: تلاش ملی در مدیریت آب‌های زیرزمینی را آغاز کرده است. اردن: مهار و استفاده از خلاقیت‌های بخش خصوصی، تأمین اعتبار و بازیافت فاضلاب شهری و افزایش تأمین آب از طریق نمک‌زدایی و شیرین‌سازی آب شور را سرلوحه برنامه‌ریزی و عملیات خود قرار داده است.

عربستان: کنترل سوبسیدهای غیرهدفدار و عمومی آب و افزایش نقش شرکت‌های خلاق بخش خصوصی در تأمین آب و بهداشت آب و منافع عمومی را پیگیری می‌کند.

مصر: تقویت نهادهای پاسخ‌گوی محلی و گنزدایی و عفونت‌زدایی از آب و به‌ویژه در مناطق روستایی را با شدت تمام آغاز کرده است.

با توجه به تجربیات جهانی و به صورت خلاصه در ضمن استفاده از توصیه‌های ارائه‌شده از طرف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD برای شناخت شکاف‌ها و ایجاد پل راه‌حل بر روی هر شکاف (به مقاله، فقر آب مشکل جدی جهان امروز و آینده، از همین نویسنده مراجعه شود)؛ اما به دلیل ضعیف بودن یا مهیانبودن زیرساخت‌های لازم در کشورهای خاورمیانه ازجمله ایران، برای مدیریت ملی چنین پروژه فرابخشی و نیاز به تعاملات فراملی، مجموعه‌ای از راه‌حل‌های زیر را می‌توان به خدمت گرفت.

راه‌حل‌های سیاستی ادغام‌یافته

اول از همه باید اذعان داشت که برای حل و مدیریت طیف وسیعی از مشکلات مربوط به فقر آب که خود دلایل فرابخشی داشته و با مشکلات بخش‌های دیگر مانند سلامت و بهداشت، غذا و محیط، مجموعه همبسته‌های ایجاد کرده و دارای امنیت تأمین همبسته (Supply security Nexus) هستند، راه‌حل بسیطی وجود ندارد و باید به سمت استفاده از راه‌حل‌های سیاسی ادغام‌یافته (Hybrid solutions) و البته منطبق و سازگار با زیست‌بوم حرکت کرد. برای طراحی راه‌حل‌های ادغام یافته که برای مدیریت شبکه‌ای مشکلات مربوط به آب اتخاذ می‌شوند، به یک نگاه از ارتفاع بالاتر (Helicopter view) نیاز خواهد بود.

باید یاد داشت که مدیریت بحران فقر آب کار آسانی نیست و باید با ایجاد بالاترین حد از تعهد سیاسی در حاکمیت برای مدیریت حیاتی بحران آب، بهترین استعدادهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در همه حوزه‌های نظری و عملی کشور و همه مردم را به مشارکت فرا خواند. باید اذعان کرد که متأسفانه مطابق اطلاعات و گزارش سازمان‌های جهانی وضعیت بحران آب در خاورمیانه و شمال آفریقا تا سال ۲۰۵۰ وخیم‌تر خواهد شد و کشورهایی که هر چه زودتر سیاست‌های مدیریت بحران آب را تنظیم و به اجرا نگذارند، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهند شد و متأسفانه دراین‌میان ایران و عراق و مصر بحرانی‌ترین شرایط را تجربه خواهند کرد.

سیاست‌های مدیریت بحران و فقر آب

در اینجا به اختصار به تعدادی از سیاست‌های مدیریت بحران و فقر آب اشاره می‌شود.

۱- ایجاد تعهد سیاسی در همه سطوح خصوصا سطح سیاست‌گذاری کلان و رهبران و ایجاد حکمروایی آب در کشور اولین و مهم‌ترین قدمی است که می‌تواند برداشته شود و این تعهد باید در تمامی بخش‌های کشور برای چنین هدفی تزریق شود.

۲- ایجاد مغزافزار مدیریتی و شبکه مدیریت منعطف: ابتدا برای چنین اقدامی می‌توان در عالی‌ترین سطوح حاکمیت در کشور و در حضور تعهد سیاسی حاکمیت و دولت، مغزافزار شبکه‌ای هوشمندی طراحی و مستقر کرد و هر دو نوع سیاست‌های اقدام (Action) و عدم اقدام (Inaction) را طراحی کرد و به کار گرفت و سعی کرد از مدل‌های ادموکراتیک و منعطف به جای مدل‌های بوروکراتیک غیرمنعطف برای سازماندهی کار استفاده کند و درون آن ارتباط موثق و تعریف‌شده‌ای از اختیار، مسئولیت و پاسخ‌گویی را تبیین و تأمین کرد.

۳- در صورت وجود خلاهای قانونی می‌توان آنها را با وضع قوانین مناسب با سرعت و در اولویت برطرف کرد.

۴- در مرحله بعد می‌توان بانک اطلاعاتی بزرگ (Big Data) امنیت همبسته آب، غذا و انرژی کشور و بخش‌های مرتبط را با محوریت مدیریت اطلاعاتی بحران فقر آب تشکیل داد.

۵- می‌توان ارتباطات وثیقی با سازمان‌های جهانی مرتبط با موضوع و مراکز مطالعاتی ایجاد کرد و از کار نامیشی آماتوری به سمت یک مدیریت معقول واقعی و حرفه‌ای دانش محور در کلاس جهانی منتقل شد.



بهداشت، هر یک دلار سرمایه‌گذاری در آب، می‌تواند بین سه دلار تا ۳۴ دلار برگشت اقتصادی ایجاد کند (به مقاله فقر آب مشکل جدی جهان امروز و آینده، از همین نویسنده مراجعه شود).

۱۲- در همین راستا، شایسته است به ارتباط امنیت آب، امنیت غذا و امنیت انرژی دقت کافی مبذول داشت و آنها را در کنار هم مدیریت کرد. ۱۳- می‌توان تکنولوژی‌های نوین و سازگار با محیط و نه لزوماً گران‌قیمت را در ترکیبی با تکنولوژی‌های مناسب سنتی بومی (Appropriate technologies) به کار گرفت. میزان مصرف و بهره‌وری انرژی و سازگاربودن آن با محیط زیست در تکنولوژی به‌کاررفته، می‌تواند جزء نکات مهم بررسی‌شده باشد.

چنین اقدامی نیازمند استفاده بهینه از پتانسیل مجامع علمی، دانشگاهی و تحقیقاتی و مراکز تحقیق و توسعه داخلی و خارجی و شناخت توانمندی‌ها و هزینه - فایده تکنولوژی‌های مناسب بومی است. تکنولوژی‌های مناسب بومی معمولا برای اندازه‌های کوچک و به صورت غیرمتمرکز و مبتنی بر کار کارگر، نوعا با صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سازگار با محیط زیست در دست‌یابی به استطاعت منطقه بومی هستند و گاه باید برای افزایش بهره‌وری به‌روز شوند. البته در این راستا می‌توان از تکنولوژی‌های جدید مثل نانو و آب‌های فعال‌شده برای ضدعفونی محیط و سیستم‌های آبیاری هدف‌گیر و کم‌تخیر بهره کافی و وافی برد.

۱۴- در هر زمان توصیه می‌شود آب مورد نیاز طبقات آسیب‌پذیر و به‌خصوص کودکان و زنان را با اولویت تأمین کرد؛ به‌ویژه اینکه مطالعات نشان می‌دهند در ۴۵ کشور جهان، زنان و دختران به‌خصوص در مناطق روستایی، مسئول تأمین آب ۷۰ درصد از خانوارها هستند و گاهی کیلومترها آب را به صورت پیاده با خود حمل می‌کنند. اگرچه خوشبختانه در ایران مطابق آمار جهانی ۸۲ درصد روستاها به آب مدیریت‌شده و اکثر آب لوله‌کشی تا این تاریخ دسترسی داشته‌اند، ولی اولا احتمال کاهش شدید این دسترسی به دلیل خشک‌سالی و کاهش آب‌های زیرزمینی در سال‌های پیش‌رو دور از انتظار نیست و ثابا وضعیت کیفیت آب ارائه‌شده از لحاظ آلودگی‌های احتمالی، نیاز به مدیریت دارد.

۱۵- توجه به اهمیت حیاتی نظام آموزش‌وپرورش در آموزش و فرهنگ‌سازی بلندمدت مصرف بهینه آب و انتقال مفاهیم اهمیت حیاتی آب در توسعه ملی، از دوران کودکی موضوع مهمی است و سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی لازم در این موضوع را می‌توان با سرعت و دقت شروع کرد. ضمن آنکه آب مورد نیاز مدارس، به‌خصوص مدارس دخترانه را که در فقر آب آسیب‌پذیرترند، با اولویت هرچه تمام‌تر تأمین کرد. به یاد داشته باشیم کودکان آموزش‌دیده با کسب معرفت و مهارت برای سالم و بهره‌ور زیستن، نه‌تنها زندگی اثربخشی را تجربه خواهند کرد؛ بلکه موجب ایجاد نسل سازگارتر با محیط زیست و بهره‌ورتر در استفاده از منابع کمیاب حیات در آینده خواهند بود، غیر از آنکه در کوتاه‌مدت نیز می‌توانند در اصلاح رفتار والدین خود نقش درخو ایفا کنند.

۱۶- در ضمن می‌توان تأکید کرد که ایجاد نظام اطلاع‌رسانی شفاف و در ابعاد ملی و به‌مشارکت‌گرفتن نظام رسانه‌ای کشور و به‌ویژه پتانسیل رسانه‌های عمومی مستقل و انتشار پیش‌نویس سیاست‌ها و برنامه‌ها به‌صورت (Blueprint) برای استفاده از نظام نقد در نقد (البته غیر از موارد امنیتی که باید این موارد به حداقل رسانده شوند) که می‌تواند ارتباط دوسویه نظامی در موضوع مدیریت بحران آب ایجاد کند، نه‌تنها موجب ارزیابی سیاست قبل از اجرا می‌شود، بلکه در ایجاد مشارکت عمومی و همراهی نخبگان می‌تواند نقش اثربخشی ایفا کند.

۱۷- ارائه سوبسیدهای غیرهفمند در حوزه آب را می‌توان به‌صورت تدریجی (Incremental) محدود کرد و در ضمن حفظ هزینه تعرفه‌های برای طبقات آسیب‌پذیر مردم در محدوده استطاعت (Affordability) آنها (با محاسبه کمتر از ثروت‌مندان و میزان درآمد خانوار و نه فقط مقایسه کور با قیمت آب در کشورهای پیشرفته با درآمد سرانه بالا، بلکه افزایش قیمت و تعرفه عمومی آب می‌تواند نوعی فقر آب ایجاد کند) یارانه‌های آب را هفمند کرد.

درعین‌حال باید دانست در کشورهایی که قیمت آب خیلی پایین است، این فقرا هستند که هزینه هر قطره آب ثروتمندان را تقبل می‌کنند و فقرا در مجموع بسیار کمتر از ثروتمندان آب مصرف می‌کنند.

۱۸- توصیه می‌شود نظام مدیریت آب برای هر مرحله عبور از بحران سیاست، برنامه و پلان مشخص و مبتنی بر اهداف قابل حصول و معیارهای کمی و کیفی قابل اندازه‌گیری داشته باشد و هیچ هدف و عمل و اقدامی نباید در فضای کنگ و وهم‌الود مدیریت شود.

۱۹- چنین برنامه‌ای لازم است از مرحله ارزیابی سیاست دقیق و روشنی بهره‌مند باشد و بتواند خود را در نقد عمومی قرار دهد و هر لحظه مبتنی بر زمینه، محیط و منابع خود را منعطف و پویا نگه دارد.

۲۰- پیشنهاد می‌شود در مدت مدیریت پروژه از ایجاد شوک‌های اجتماعی غیرحساب‌شده و چه‌بسا غیرقابل مدیریت که می‌توانند موجب وحشت و پانیک اجتماعی مخرب و مهاجرت‌های وسیع شوند، اجتناب شود، چراکه هیچ بحرانی را نمی‌توان با ایجاد بحران دیگری مدیریت کرد و مدیریت زمان نقشی مهم در مدیریت بحران آب در سال‌های پیش‌رو خواهد داشت.

«محقق و مشاور سیاست‌گذاری عمومی در اروپا

سیاست

رؤیای تنبیه ایران در بیرون

حواد جهانگیری سهروردی

محمد بن سلمان، برای تثبیت خود به‌عنوان جانشین پادشاه عربستان و همچنین مقابله با نفوذ ایران در منطقه چند گام برداشته است که شامل دستگیری ده‌ها نفر از شاهزادگان و وزرای سعودی و روند عادی‌سازی روابط، حداقل تا حدی با اسرائیل است، اما اقدامات بنیادی برای پایان‌دادن به تحریم اسرائیل از سوی اعراب و مسلمانان، بدون دستیابی به یک راه‌حل درست برای مسئله فلسطین، ابتدا به فلسطین و سپس به عربستان سعودی لطمه خواهد زد. در هفته‌های گذشته یک مقام ارشد ارتش اسرائیل، به عربستان سعودی پیشنهاد داد که اسرائیل آماده است تا اطلاعاتی به عربستان سعودی در رابطه با ایران به اشتراک بگذارد. همچنین برای اولین بار، اسرائیل با عربستان سعودی، قطع‌نامه‌ای را علیه سوریه در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد موردمحایت قرار داد. علاوه بر این، وزیر ارتباطات اسرائیل، دعوت‌نامه‌ای به مفتی بزرگ عربستان سعودی، عبدالعزیز الشیخ، برای دیدار از اسرائیل و همچنین برای مذاکرات مسالمت‌آمیز در مورد دو کشور ارائه داد. عربستان سعودی به منظور پایه‌ریزی مراحل عادی‌سازی روابط با اسرائیل، محمود عباس، رئیس‌جمهور فلسطین را به ریاض دعوت کرد تا وی را متقاعد کند که برنامه صلح که توسط جرد کوشنر، مشاور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ارائه شده است را مطرح کند که همکاری سعودی-اسرائیلی بخشی جدایی‌ناپذیر از این طرح است. به گفته نیویورک‌تایمز، این پیشنهاد می‌تواند اقدامات عادی‌سازی، شامل «حواینامه‌های مسافری اسرائیلی، ویزا برای افسران تجاری و ارتباطات مخابراتی» با عربستان سعودی، مصر، اردن و امارات متحده عربی باشد.

اگر محمد بن سلمان از این طرح پیروی کند، این کار ریسک بزرگی برای ریاست‌طلبی عربستان سعودی در دنیای اسلام خواهد بود چراکه وجهه این خاندان حاکم بر عربستان را در بین اعراب و مسلمانان مخدوش خواهد کرد. همکاری محمود عباس برای انجام عادی‌سازی روابط سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها ضروری است چراکه بدون همکاری یا دخالت آنها در عادی‌سازی روابط، حرکت عربستان سعودی به عنوان خیانت به موضع اعراب و مسلمانان در فلسطین دیده می‌شود. اگرچه در مورد اتفاقات و مذاکرات واقعی سفر محمود عباس به ریاض اطلاعات دقیقی در دست نیست اما برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که رهبران عربستان سعودی به عباس فشار آورده‌اند که طبق برنامه‌های کوشنر پیش برود. ایومان برای کمک به مقاومت فلسطینی‌ها و برای ادامه کار به کمک مالی عربستان و آمریکا نیاز دارد، بااین‌حال، معامله کوشنر حداقل برای پروژه ملی فلسطین خوب نخواهد بود.رهبران عربستان سعودی با دعوت محمد دحلان از مخالفان سرخست محمود عباس، به ریاض و ملاقات با او به فشارهای بیشتر به عباس ادامه دادند. همچنین چند روز بعد، یک ضربه دیگر به محمود عباس زده شد مبنی بر اینکه دولت ایالات متحده اعلام کرد که مجوز دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سازمان ملل متحد در واشنگتن را تمدید نخواهد کرد که این امر نمی‌تواند یک تصادف باشد. این وضعیت یادآور سلف عباس، یعنی یاسر عرفات در معاهده کمپ دیوید دو در سال ۲۰۰۰ است؛ زمانی که او با فشار ایالات متحده برنامه ایهود باراک مبنی بر عقب‌نشینی اسرائیل از بخش‌هایی از کرانه باختری و غزه را پذیرفت و بلافاصله پس از قرارداد کمپ دیوید، عرفات کنار گذاشته شد. باین‌وجود، روشن است که عربستان سعودی به اقدامات عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل با یا بدون عباس ادامه خواهد داد. هدف محمد بن سلمان مدیریت پیروزی در خانه و تنبیه‌شدن ایران در بیرون است که نشان می‌دهد او تصمیمات رادیکالی در راه دارد.

«**کارشناس ارشد مسائل سیاسی**

زاویه

زنگ خطر جدی برای ایران



محمدعلی عسگری

اینکه رئیس ستاد ارتش اسرائیل با یک رسانه سعودی گفت‌وگو کرده و در آن از «تبادل اطلاعات با عربستان جهت مقابله با ایران» سخن می‌گوید و از سوی دیگر مفتی عربستانی فتوا می‌دهد که می‌شود برای مقابله با حزب‌الله و ایران از اسرائیل کمک گرفت، اتفاقات ساده‌ای نیست. صحبت بر سر اینکه چه شد که کار به اینجا رسید یا اینکه چه عواملی دست‌اندرکار بودند که دو کشور اسلامی یعنی ایران و عربستان را به چنان نقطه‌ای رساندند، دیگر سودی ندارد. فقط صحبت بر سر ابعاد این همکاری و نحوه مقابله با آن است که می‌تواند تا حدودی گره‌گشا باشد. عبدالباری عطوان، تحلیلگر معروف عرب، با اشاره به مصاحبه گادی آیزنکوف، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل، با پایگاه اینترنتی «ایلاف» نوشت: «این اظهارات به آن معناست که یک ائتلاف نظامی بین ریاض و تل‌آویو در حال تثبیت‌شدن است زیرا مبادله اطلاعات نظامی بین ارتش‌ها بیشتر در زمان جنگ و در چارچوب ائتلاف ضد یک دشمن مشترک انجام می‌شود». به عبارتی روشن‌تر اینکه رئیس ستاد ارتش اسرائیل می‌گوید ما حاضر به تبادل اطلاعات هستیم به معنای آن است که برای یک حمله بزرگ مشغول جمع‌آوری اطلاعات لازم و مشترک هستیم. البته شاید بشود این تحلیل را کمی تا قسمتی شتاب‌زده دانست.

اما فراتر از این مصاحبه مهم و روشن‌نگر که در آن به‌شدت روی اشتراکات عربستان و اسرائیل در مقابله با ایران و حزب‌الله تأکید شده است، می‌توان خبرهای دیگری را هم در نظر گرفت که درمجموع بیانگر تهیه مقدمات لازم برای اجرای یک سناریوی خطرناک علیه حزب‌الله و ایران است. برای مثال شبکه الجزیره با نقل از همین مصاحبه اضافه کرد: «منابع اسرائیلی گفتند بنیامین نتانیا‌هو از پیش نسبت به این مصاحبه اطلاع داشته و در جریان آن بوده است». وی همچنین در پیامی توییتی نوشت: «دولت‌های پیشرو عربی مانند عربستان، امارات و مصر و بسیاری دیگر از همسایگان عرب تهدیده ایران را همان‌طور می‌بینند که اسرائیل می‌بیند و این کاملا درست است».

در کنار اینها می‌شود از سفر مخفیانه محمدبن سلمان به تل‌آویو حدود دو ماه پیش یا سفر جرد کوشنر، داماد ترامپ، به عربستان در یک ماه پیش یا استعفا‌ی اجباری سعد حریری از ریاض در دو هفته پیش و آمادگی نظامی اسرائیل برای حمله به لبنان در همان زمان و بعد تکذیب منابع اسرائیلی با این بهانه که عربستان قصد دارد «بخش کثیف این جنگ» را برعهده ما بگذارد و در نهایت اظهارات عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان، مبنی بر اینکه در لبنان دیگر «کلسه صیرمان لبریز» شده است، یاد کرد که گویی همه با سرعتی سرسام‌آور در یک جهت به پیش برده می‌شود؛ همان جهتی که از یک سال پیش دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرده بود و بعد هم در نشست مهم و مشترکی که با مقامات ارشد کاخ سفید



و فرماندهان نظامی آمریکا داشت بر آن تأکید و به صراحت هدف آمریکا را در شرایط کنونی علیه ایران برملا کرد؛ هدفی که دارای دو اهرم مشخص بود: یکی بازگرداندن تحریم‌ها از هر راه ممکن و دیگری مقابله با قدرت نفوذ منطقه‌ای ایران. هدف نخست را خود آمریکا به کمک متحدان اروپایی‌اش تعقیب می‌کند و هدف دوم به عربستان سعودی سپرده شد تا با همکاری اسرائیل آن را دنبال کند. دراین‌میان برخی تحلیلگران ائتلاف سه‌گانه عربستان، آمریکا و اسرائیل علیه ایران را یک بازی نمایشی و بیشتر به هدف تخریب و تجزیه عربستان می‌بینند و می‌گویند درواقع اسرائیل و آمریکا هیچ‌کدام خود مایل به ورود به یک درگیری نظامی مستقیم و پرهزینه با ایران نیستند و بنابراین صرفا می‌خواهند عربستان را وارد این بازی کنند. آنها با الگوگرفتن از تجربه جنگ عراق علیه ایران در سال‌های گذشته می‌گویند در صورت وقوع چنین جنگی، دو کشور مدعی و قدرتمند منطقه تضعیف شده و در فرارمزد دچار فروپاشی و تجزیه می‌شوند. (بگذریم که عربستان نیز با دریافت همین برداشت تلاش می‌کند آمریکا یا اسرائیل را به این درگیری بکشاند!). اما برخی دیگر بر این باورند این بار ائتلافی جدی علیه ایران شکل گرفته است که هدف اصلی‌اش در درجه اول قطع شاخه‌های نفوذ منطقه‌ای ایران – از لبنان گرفته تا یمن – و در درجه دوم واردآوردن فشارهای سیاسی و اقتصادی توأم با آن به منظور فروپاشی نظام از داخل است.

به‌رحال هرکدام از این تحلیل‌ها که در نظر گرفته شود وضعیت متفاوت و نیازمند هوشیاری را برای کشور ما ترسیم می‌کند که باید هرچه زودتر برای آن تدبیری اندیشید. اگر ایران در برابر تهدیدهای ترامپ مبنی بر پاره‌کردن برجام تاکنون توانسته است از راه‌های قانونی و به‌ویژه با همکاری با کشورهای اروپایی مقاومت کند، در برابر تهدید مستقیم عربستان و اسرائیل نیز با کشودن درهای همکاری به روی متحدان منطقه‌ای به‌ویژه کشورهای عرب می‌تواند شرایط را در کنترل بگیرد. دراین‌میان دولت‌های اردن، قطر، کویت، عمان و به‌ویژه مصر از اولویت بیشتری برخوردار بوده و در چنین شرایطی می‌توانند به جای همراهی و همسویی با عربستان در کنار ایران قرار گرفته یا دست‌کم از مواضع فراطرمدت عربستان نسبت به ایران فاصله بگیرند.